

شعر فارسی غالب دهلوی

مهدی باقر خان

میرزا اسدالله خان غالب یکی از شاعران بسیار نامور فارسی‌گوی هند نژاد است. شهرت او عمدتاً به دلیل آخرین نماینده شعر کلاسیک بودن اوست.

غالب از ده سالگی استعداد شعری داشت و از همان زمان به هر دو زبان اردو و فارسی شعر می‌سرود.^۱ نمونه‌ای از نخستین شعر فارسی وی در دسترس نیست، اما نمونه‌های شعر اردوی وی را در «نسخه حمیدیه» می‌توان دید و بررسی آن می‌تواند بیانگر ارزش و اعتبار شعری آن زمان او باشد.^۲ غالب در اغلب قالب‌های شعری، طبع خود را آزموده است و آثار ارزنده‌ای برای شاعران و ادب دوستان از خود بر جای گذاشته است. برخی از آثار معروف وی در شعر فارسی بدین صورت است:

«کلیات نظم فارسی»، «مثنوی سبد چین»، «مثنوی سبد باغ دو در»، «مثنوی دعاء الصباح»، «رساله فن بانگ».^۳

ابیات قصاید غالب در مقایسه با دیگر شاعران معاصر از ویژگی‌های خاص قصیده‌سرایی برخوردار است. او حدود ۷۵ قصیده دارد. طولانی‌ترین قصیده وی ۱۱۲ بیت و مختصرترین آن ۲۷ بیت دارد. فقط ۴ قصیده وی دارای بیش از ۱۰۰ بیت است

♦ استاد میهمان بخش فارسی دانشگاه جامعه ملیه اسلامی، دهلی‌نو.

۱. عروج، عبدالرؤف، تذکره فارسی گو شعرای اردو، ص ۱۶۲.

۲. مهر، غلام رسول، مقدمه کلیات غالب (اردو)، ص ۵.

۳. دیوان غالب دهلوی، مقدمه و تصحیح و تحقیق دکتر محمد حسن حائری، ص ۲۲.

و همین طور ۴۵ قصیده دیگر وی ۵۰ بیت دارد.^۱

قصیده‌ای که او در مدح حضرت علی^(ع) سروده مطلع آن چنین است:

نازم به گرنامیگی دل ز سودا هر قطره خون یافته پرواز سویدا^۲

این یکی از قصیده‌های بلند غالب است که تعداد ابیات آن به اعتبار عدد لفظی، هم عدد واژه علی^(ع) یعنی ۱۱۰ است، کما اینکه خود غالب در این مورد چنین اظهار داشته است:

نطقم به شمار عدد حرف علی شد در رشته تحریر ز شوخی گهر آما^۳

اغلب قصاید طولانی غالب دهلوی چندین مطلع (تجدید مطلع) دارد و این هم یکی از ویژگی‌های خاص قصاید اوست.

غالب حدود ۳۳۵ غزل دارد که به زبان فارسی سروده شده است. برخی از غزل‌های او نیز دارای بعضی از ویژگی‌های قصاید وی چون «تجدید مطلع» است. علاوه بر این، شعر وی ساده و روان است اما در عین حال در اشعار وی تعقید و ایهام، آمیختگی آهنگ و مضمون، اصطلاحات ادبی و استعارات شاذّه و تشبیه‌های عمیق دیده می‌شود.

غالب ۱۲ مثنوی دارد. زیباترین مثنوی‌های وی «چراغ دیر»، «باد مخالف» یا «آشتی‌نامه»، «ابر گهربار» و «ساقی‌نامه» عنوان دارند.

افزون بر این، غالب قطعه‌ها و رباعی‌هایی دارد که دارای مطالب و مضامین مهم و پرارزشی است. او در اکثر اصناف شعر، سخن گفته است کما اینکه ما در مقدمه کلیات غالب در خصوص عظمت شعری غالب می‌بینیم:

«قصیده‌ها و غزل‌های عرفی بی‌نظیر است ولی مثنوی‌های وی چنگی به دل نمی‌زند. نظیری فقط در غزل فوق‌العاده به نظر می‌رسد و در دیگر انواع ادب چنین اشرافی از خویش نشان نداده است، ولی در کلیات میرزا غالب دهلوی می‌توان اغلب انواع سخن را دنبال کرد و در هر نوعی از سخن وی جلوه‌آرایی هزاران مرغ اندیشه را می‌توان در حال پرواز دید. شیوه‌های رنگارنگ و

۱. دیوان غالب دهلوی، ص ۲۲.

۲. کلیات غالب، ص ۳۴۰.

۳. همان، ص ۱۸۰.

دل‌پذیر سخن وی بدان گونه است که نظیر آن تنها در دواوین استادان بزرگ سخن فارسی یافته شود^۱.

غالب از جمله پایه‌های اساسی ادبیات اردو است و یکی از چهار شاعر بزرگ اردو زبان و در کنار میر تقی میر، میر انیس و اقبال است اما در ارتباط با سروده‌های فارسی خود چنین گفته است:

فارسی بین تا بینی نقش‌های رنگ رنگ بگذر از مجموعه اردو که بی‌رنگ من است
شایان ذکر است که او در اصل شاعر اردو زبان است و به عنوان معروف‌ترین شاعر شبه‌قاره هند شناخته شده است. گرچه شاعری چون اقبال لاهوری بعد از میرزا غالب، شهرت چشم‌گیری به دست آورده است و شعر فارسی او نیز سبک مختلفی دارد حال آنکه میرزا غالب سبک خود را توسعه داده بود.

می‌توان گفت که میرزا غالب طبق روش شاعران متقدم شعر می‌سرود ولی نکته جالب این است که او با استفاده از شیوه کلاسیک یک طرز و روش خاص خود را ایجاد نموده و بدین ویژگی خاص خود او از شاعران معاصر متمایز می‌شود.

مهم‌ترین نمایندگان این سبک، شاعرانی چون نظیر نیشابوری، فیضی، ناصر علی سرهندی و به خصوص میرزا عبدالقادر بیدل هستند. در این سبک شاعری به خصوص غزل‌گویان هند در مقایسه با طرز و روش غزل‌گویی ایران خیلی ممتاز و بهتر بودند. این سبک را به عنوان سبک هندی تعبیر می‌کردند که تقریباً در زمان صفوی بنیان‌گذاری شده است. در آن زمان شاعران به علت کمبود طرفداران شعرهای شان به طرف هند مهاجرت کردند و در هندوستان ساکن شدند و با حمایت و پشتیبانی سلاطین مغول، به شاعری خود ادامه دادند.

علاقه و دل‌بستگی سلاطین مغول و طبیعت و آثار فرهنگی متنوع هند آنان را خیلی تحت تأثیر قرار داد. شعرهای آنان تحت تأثیر این عوامل قرار گرفت و تأثرات طبیعت و محیط آنان را از سبک ایرانی جدا نموده به یک شکل جدیدی درآورد و در همان زمان در شعر ایهام و تعقید، جایگزین سلاست و روانی شد و سرودن تخیلات باریک،

۱. مقدمه کلیات غالب (اردو)، ص ۶.

دور از فهم و فکر مردم عادی در شعر به اوج خود رسید. شاعران آن زمان مضمون آفرینی، معماگویی و تمثیل‌نگاری را هدف خود قرار داده بودند و همه در فکر سبقت‌گیری بر یکدیگر بودند، بدین علت آنان از سبک شاعری قدیم ممتاز شدند.

البته منظور از شعر تمثیلی میرزا غالب این است که وی در یک مصرع مثالی، مثالی را می‌آورد و در مصرع دوم آن را عینی می‌کرد. مثلاً:

آخر شب مه بیرون می‌آید ز شرم کاستن خویش را در مفلسی منما به اهل روزگار

روشن است برای سرودن مضامین باریک و دور از فهم، الفاظ ساده و سلیس و پر از محاوره کافی نیست بلکه شاعر به سبک خاصی احتیاج دارد که علامات و اسرار و رموز فراوان داشته باشد. علاوه بر این تعابیر و ترکیبات گوناگون چون زیانکده، فنا، قدح فنون... و در آن زمان به کار رفته است.

بزرگ‌ترین نماینده این سبک میرزا عبدالقادر بیدل بود. میرزا غالب مانند دیگر شاعران این سبک، تحت تأثیر بیدل دهلوی قرار گرفته بود ولی غالب خود را فقط به پیروی از این سبک محدود نکرد بلکه در این سبک، مفاهیم متنوعی را در حدی اضافه نمود که شاعران دیگر نتوانستند چنین کاری بکنند.

درست است که غالب در قالب‌های مختلف شعر گفت لکن غزل میدان مخصوص اوست و غزل‌های غالب دارای مضامین عشق و محبت است. از نظر تنوع مضامین، غزل‌های غالب از غزل‌های ظهوری ممتازتر است اما باز هم غالب در میان شاعران فارسی نژاد اهمیت خاصی کسب نکرده است.

یکی ویژگی‌های شعر غالب این است که او وحدت‌الوجود را موضوع شعری خود قرار داده بود. از این رو غالب شاعر عارف و متصوف هم محسوب می‌شود. چنانکه او می‌گوید:

محو کن نقش دوی از ورق سینه ما ای نگاهت الف صیقل آینه ما

گاهی در شعر غالب افکار فلسفی دیده می‌شود شاید بدین سبب که فکر فلسفی مورد توجه نسل جدید قرار گرفته بود، گاهی در یقینات و مسلمات یک جنبه شک را جست و جو می‌کرد و گاهی از توهمات یک ریشه یقین را به دست می‌آورد. مثلاً می‌گفت:

سایه و چشم به صحرا دم عیسی دارد اگر اندیشه منزل نبود رهبر ما

بی تکلف در بلا بودن به از بیم بلاست قعر دریا سلسبیل و روی دریا آتش است
معنی آفرینی و مضمون آفرینی هم یکی از ویژگی‌های بارز شعر غالب است. منظور
از مضمون آفرینی این است که نکته تازه‌ای به وجود می‌آورد. در مورد این نکته رشید
احمد صدیقی چنین می‌گوید:

”معنی نزد غالب پیکر لطافت بود و الفاظ پیکر تحریر. برای این که اکسیر
معنی را در پیکر معنی نمی‌توان گفت:

سخن ما ز لطافت نپذیرد تحریر نشود گرد نمایان ز رم توسن ما“
علاوه بر این غالب از طنزپردازی و ظرافت طبعی خود خیلی استفاده می‌کرد انگار
که ظرافت غیر از ندرت بیان، چیزی نیست. غالب می‌گوید:

ما همای گرم پروازیم فیض از ما بجو سایه همچون دود بالا می‌رود از بال ما
با این همه شعرهای وی دارای مضامین سکرآور بود. ذکر می‌نوشی در شعر وی
اهمیت خاصی دارد شاید علتش این باشد که او خود «می» می‌نوشید و از باده سخن
هم سرشار بود. در نتیجه شرابش دوآتشه شده بود چنانچه می‌گوید:
خجالت نگر که در حسناتم نیافتند جز روزه درست ز صهبا گشوده‌ای
علاوه بر این ابتکار و نوآوری را می‌توان یکی از ویژگی‌های اساسی شعر غالب
به شما آورد.

در خصوص شاعرانی که در شعر غالب تأثیری از آنان دیده می‌شود ظهوری،
نظیری و پس از آن حزین و عرفی و حسرتی و حافظ و صائب تبریزی هستند. غالب
در تتبع صائب چنین سروده است:

هم به عالم ز اهل عالم بر کنار افتاده‌ام چون امام سبحة بیرون از شمار افتاده‌ام^۱
در استقبال سعدی چنین می‌گوید:
چو صبح من ز سیاهی به شام ماند دست چه گوئیم که از شب چند رفت یا چند
نظیری و حزین را این طور یاد می‌کند:

۱. کلیات غالب، ص ۴۶۱.

۲. همان، ص ۳۷۰.

غالب مذاق ما نتوان یافتن ز ما رو شیوه نظیری و طرز حزین شناس^۱
 درباره عرفی می‌گوید:

کیفیت عرفی طلب از طینت غالب جام دگران باده شیراز ندارد^۲
 به رغم این ویژگی‌ها می‌توان گفت که در سراسر شبه‌قاره هند، شاعری جز غالب نیست که هم زمان در هر دو زبان فارسی و اردو با این کمیت و کیفیت شعر سروده باشد. غالب دهلوی شاعری است که اشعار ارزنده وی در سرمایه شعر و ادبیات فارسی ماندگار خواهد بود، حال آنکه او فارسی زبان نبوده، ما باید با توجه به خدمات او به زبان و ادبیات فارسی، شعر او را ارج نهیم.

منابع

۱. پاسداران زبان و ادبیات فارسی در هند، مرکز تحقیقات فارسی، دهلی‌نو، ۱۳۶۴ ش.
۲. جهان، نرگس، تاریخ ادبیات فارسی هند در دوره خلجیان، انجمن فارسی دهلی، ۲۰۰۷ م.
۳. دیوان غالب دهلوی، مقدمه و تصحیح و تحقیق دکتر محمد حسن حائری، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴. رنگانی، هرامل سدا، پارسی گویان هند و سند، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۵ ش.
۵. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۶. عروج، عبدالرؤف، تذکره فارسی گو شعرای اردو، انجمن پریس کراچی، ۱۹۷۱ م.
۷. فرجاد، محمد علی، احوال و آثار میرزا اسدالله خان غالب، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۸۹۷ م.
۸. قاسمی، شریف حسین، جدید فارسی شاعری (اردو)، اندو پرشین سوسایتی، دهلی، ۱۹۷۷ م.
۹. کلیات غالب، نول‌کشور، لکنو، ۱۹۲۵ م.
۱۰. مهر، غلام رسول، مقدمه کلیات غالب (اردو)، علمی پریتنگ کراچی، ۱۹۶۵ م.
۱۱. نقوی، سید علی رضا، تذکره نویسی در هند و پاکستان، چاپ علمی، تهران، ۱۳۴۱ ش.

۱. کلیات غالب، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۱۸۴.